درگذشت نوبخت

حبیب الله نوبخت نویسندهء نامدار و روزنامه‏نگار،عالیمقدار معاصر ایران روز 24 فروردینماه بدرود زندگی گفت.و بجهان باقی شتافت.

وی قریب سه ربع قرن در کار دانش و فرهنگ و سیاست بود.روزنامه بهارستان را داشت،مدیریت مجله قشون را عهده‏دار بود،چندین دوره در پارلمان راه یافت و سالی‏ چند رئیس کتابخانه سلطنتی بود و بعد از شهریور بیست هم به جرم وطن‏پرستی ماهها در زندان متقفین گذرانید.

اولین کتابی که درباره خاندان پهلوی نوشته شد به قلم او بود و جامعترین اثری که از او بر جای ماند"شاهنامه نوبخت‏"بود که در چهاده مجلد و هزاران بیت پرداخته و تاریخ‏ ایران را بعد از شاهنامه فردوسی تا زمان حاضر به نظم در آورده بود.این اثر از لحاظ تاریخی بسیار ذیقیمت و درخور عنایت است.مجالس بزم‏ورزم شاهنامه نوبخت توسط هنرمندان و نقاشان نامدار معاصر مینیاتور و تصویر شده است.

آخرین کتابی را که نوبخت نوشت خاطرات او از دوران پهلوی بود که تا دقایق آخر عمر به انتظار انتشار آن بود و این آرزو را با خود بگور برد.

نوبخت در سالهای اخیر زمینگیر و خانه‏نشین بود،زندگی را به سختی میگذرانید، اندوه مآل و معاش او را آزار میداد.قریب دو سال بود که مالک آپارتمان محقری که در آن زندگی میکرد او را تحت فشار قرار داده بود تا یا اجاره محل را زیاد کند یا آپارتمان را ترک گوید و هیچکدام برای او میسر نبود و با آنکه گله و شکوه‏ای نمیکرد لیکن روحش آزرده بود و از آینده مبهم خود وحشت داشت.

از رجال صاحب نام و مقام تنها آقای هویدا،حال و احوالش را پرسان بود و او را مدد میکرد و در مرگش آقای دکتر شادمان وزیر مشاور را نیز بر سر جنازه او فرستاد و موجبات انتقالش‏ را به شیراز فراهم آورد.

بر جنازه نوبخت معدودی انگشت شمار گریستند و از آن جمله نمایندگان گروه پان- ایرانیست سابق بودند که تا دقایق آخر به نوبخت وفادار ماندند و صفا و صمیمیت خود را به‏ ثبوت رسانیدند.خدایش بیامرزاد و ببازماندگانش صبر عنایت فرمایاد.نوبخت رفت و دیگر چنو کسی نخواهد آمد...